



مکاتبات زیاد است و متنوع، اما از آنجا که بیان  
باب تازه‌ای است امیدوارم که به چاپ آن اقدام گردد و  
اما اصل مطلب:

در زمان حاضر طب و دارو و درمان از گسترهٔ  
بزرگ و پهناوری برخوردار است و هر روز که می‌گذرد  
این گسترده‌گی افزون می‌گردد، بالطبع در این راستا  
مقوله طب و درمان همکاری و صمیمیت و یکدلی و  
همگامی تمامی دست‌اندرکاران جزف مختلف  
پژشکی را به کمک می‌طلبد. تصور کنید در هنگام روز  
و یا در نیمه شب که انسانی دردمند و بیمار به مصیبتی  
گرفتار می‌آید و از مرکز فوریت‌ها و اورژانس محل  
زندگی خود کمک می‌طلبد با شروع به کار  
تکنیسین‌های مرکز اورژانس آن محل گام نخست در  
جهت پریزی درمان و مداوای این بیمار برداشته  
می‌شود. وقتی او را به بیمارستان منتقل می‌کنند  
پژشک درمانگاه و یا دکتر کشیک اورژانس عهده‌دار  
مرحله بعدی کمک و درمان به این بیمار می‌باشد.  
لحظاتی بعد نیاز به یک مشاورهٔ تخصصی پژشکی و یا  
داروپژشکی است و سرانجام ممکن است بیمار به

مدیر مسئول و سردبیر محترم ماهنامه ارزشمند  
رازی: سلام گرم مرا بپذیرید. اکنون مدت ۳ سال است  
که از انتشار ماهنامه خوب و خواندنی رازی می‌گذرد.  
فرصت را غنیمت شمرده در آغاز سپاس و تشکر  
فراوان خود را به پاس انتشار این ماهنامه خوب به کلیه  
مسئولین و دست‌اندرکاران آن ابراز داشته و به بیان این  
گفتار پر محتوی از مولا علی (ع) که می‌فرماید:  
«هر کس به من کلمه‌ای بیاموزد، مرا تا ابد بندۀ خود  
ساخته است» اکتفا کرده اعلام می‌دارم که بدون شک  
شما عزیزان و دیگر دست‌اندرکاران نشریات و  
مجلات علمی - پژشکی این سرزمین حق بزرگی بر  
گردن فرد فرد خوانندگان و مخاطبان علاقمند خود  
دارید و الحق که در پرداختن به «ذکات علم» راهی  
پسندیده را در پیش گرفته‌اید. راهتان با تداوم و  
قدم‌هایتان استوار باد. از آنجا که ماهنامه رازی عنوان  
علمی - اجتماعی دارد نوشтар زیر را ارسال می‌دارم.  
امیدوارم اگر مقبول طبع و مورد پسند واقع شد در بخش  
مربوطه درج گردد در غیر اینصورت هم از رازی  
ناراضی نخواهیم شد! زیرا می‌دانم حجم نامه‌ها و

بدون شک دو قطب اصلی مسأله درمان را پزشک و داروپردازشک تشکیل می‌دهند. بنابراین لزوم همکاری تزدیک و صمیمانه بین این دو قطب از ویژگی و اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است. در ماهنامه رازی یکی از قسمتهای خوب و خواندنی و آموزنده که به زیور فلم همکار ارزشمندی همچون جناب آفای دکتر سیامک نژاد آراسته است بررسی نسخ پژوهشکان و یا به عبارتی بررسی مقوله پلی فارماسی است. اگرچه همه خوانندگان علاقمند از این نوشهای مسائل فراوانی را آموخته‌اند ولی از لحاظ اجتماعی از آنجا که هر نقد و تعزیه و تحلیل اگر به مسائل و فاکتورهای جنبی توجه نداشته و یا توجه کافی مبذول ندارد خالی از ایراد خواهد بود بنابراین باید یادآور شد که پسیدیده پلی فارماسی اصولاً یک معضل مولتی‌فاکتوریال است که سهم کوچکی از آن نصیب پژوهشکان می‌گردد و در کندوکاو همه‌جانبه و دقیق این جریان مسائل و فاکتورهای متعددی دخالت دارند که اصولاً هیچگاه به آنها پرداخته نشده و یا شاید هم نخواسته‌اند که پردازنند. این فاکتورها گوناگون و متعددند و در همن نوشتار جای بحث آن‌ها نیست زیرا بیش از حد به درازا خواهد کشید. ولی فهرست وار باید یادآوری کرد که از فرهنگ مردم گرفته تا نارسانیهای دارویی - اقتصادی - اجتماعی، خدماتی - تربیتی و .... همه و همه دست به دست هم داده تا پسیدیده‌ای بنام پلی فارماسی که از قضا گریانگیر جوامع بسیاری نیز می‌باشد در جامعه پژوهشکی ما نیز به عنوان یک مشکل صفحات فراوانی از این مجله را خود اختصاص دهد. اما سخن و گفتار اصلی چگونگی حل مشکل است که باید برای پرداخت به آن و سپس حل آن مشکلات اصلی و اولیه و ریشه‌ای را شناخت و از بین برد تا خود مشکل نهایی نیز سرانجام رفع گردد نه آنکه با مطرح کردن این مشکلات گروههای مختلف

اطاق عمل انتقال داده شود، در اینجا هم متخصصان بیهوشی و جراحان و سایر پرستنی اطاق عمل از کادر کمکی گرفته تا پرستاران و تکنیسین‌ها هر کدام عهده‌دار وظایفی به خصوصی می‌باشد تا به هر حال انسانی دردمند و بیمار سلامتی و شفای خویش را بازیابد. ملاحظه می‌گردد که امروزه امر درمان یک پسیدیده فردی و تکنیفره، نبوده بلکه یک امر گروهی و تیمی است که فرد فرد اعضاء و ارکان این گروه به مانند حلقه‌های متعدد و پشت سرهم یک رشته زنجیر بزرگ و مستحکم می‌باشد. بدون شک هر حلقه‌ای که سست و ناستوار باشد استحکام تمامی این زنجیر در معرض خطر و از هم گسیختگی می‌باشد با این توصیف لزوم همکاری و صمیمانی بین تمامی دست‌اندرکاران حرف و مشاغل پژوهشکی امری بدیهی و روشن است و شاید در هیچ‌کاری و شغلی این چنین همکاری و همگامی و یک دلی تا این حد ضرورت حیاتی و اخلاقی نداشته باشد. بنابراین بر تمامی مسئولین و صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران است که هر چه بیشتر در استحکام بخشیدن به این روحیه همکاری تلاش و جدیت نمایند. متأسفانه ماهنامه خوب رازی علیرغم تمامی نکات مشبت و آموزنده‌ای که دربردارد در بخش مسائل و رویدادهای اجتماعی و خصوصاً در قبال نامه‌های ارسالی خوانندگان رویه‌ای را درپیش گرفته که اگر عمیق و دقیق بنگریم این شک را بر می‌انگیزد که تا حدودی در استحکام بخشیدن به این پیوند و همکاری و همگامی شیوه‌ای نه چندان دلچسب را اتخاذ کرده است. اگرچه با اتخاذ این روش مخاطبین بیشتری را جلب می‌کند ولی هرگز گردد آوردن این مخاطبین باید به بهای از دست رفتن حس صمیمانی و همکاری در بین حرف مختلف پژوهشکی باشد.

دارد؟ اصلاً آیا تا به حال کوچکترین تلاشی در جهت بهبود و اصلاح فرهنگ مردم در جهت شناختن پزشکان و داروپزشکان توسط مردم به عمل آمده تا آنها حیطه عمل پزشک و داروپزشک را بهتر بشناسند و به وظایف آنها پی ببرند؟ با مردمی که با تمام وجودشان از پزشک دارو طلب می‌کنند چگونه باید برخورد کرد؟ مگر وقتی مشکلات و تنگاهای اقتصادی انجام هرگونه بررسی و تلاشی را در جهت پی بردن به بیماری و تشخیص صحیح از پزشک سلب می‌کند چاره‌ای جز دارو درمانی برای پزشک باقی می‌ماند؟ مگر وقتی بیماری با انواع و اقسام دردها و شکایات در کوره شهری به پزشک مراجعه می‌کند در حالیکه امکان هیچگونه بررسی و مطالعه‌ای جهت پی بردن به بیماری وجود ندارد و اگر هم وجود داشته باشد بیمار زیربار آن نمی‌رود چاره‌ای جز دارو درمانی و پلیفارماسی باقی می‌ماند؟ مگر برای بیماری که در طول سال امکان خوردن چند وعده غذای گرم و گوشت بیشتر وجود ندارد در هر بار مراجعه و به هر علت داروی تونیک نوشته شود آن هم از نوع تزریقی که به لحاظ روانی بیشتر مورد پسند بیماران ما است چه اشکالی پیش می‌آید؟ بهرحال صحبت به درازا کشید. جا دارد بار دیگر در پایان به این نکته اشاره شود که از همه چیز گذشته سلامت و شفای بیماران بیش از هر چیز مدیون همکاری صمیمانه گروههای مختلف پزشکی است که هر کدام جایگاه خاص و ویژه خود را در امر درمان داشته و دارند و باید به طریق ممکن در تداوم و استحکام بخشیدن به این همکاری و صمیمیت کوشان و جدی باشیم... هر اقدامی در جهت خدشه دار کردن این همکاری نامطبوع و نامطلوب است. والسلام همدان - دکتر مسعود اسرازدل - پزشک عمومی

پزشکی را در مقابل هم قرار داد، فی المثل پزشک متخصص اعصاب و روان همکاران عمومی خود را متهم به نوشتن بی رویه داروهای ضدصرع نماید و هفت‌ بعد پزشک عمومی در مقام جواب پزشک متخصص اعصاب را مورد سؤال قرار دهد و هر دو اینها توسط داروپزشک مورد سؤال قرار می‌گیرند و بالعکس. بدون شک چنین رویه‌ای روحیه رو در رو قرار گرفتن را تقویت کرده و نهایتاً وضعی پیش می‌آید که نظام همکاری و صمیمیت پزشکی خدشه دار گردیده و در آخر کار دودش فقط به چشم بیمار و جامعه می‌رود در حالیکه هیچ چیز را اصلاح نکرده‌ایم. بنابراین برای انجام اصلاحات باید ابتداء عوامل زمینه‌ساز خرابیها را شناخت و از بین بردا حال در شرایطی که در همین سرزمین ما شیادان و کلاهبرداران و فرصت‌طلبان فراوانی بدون اینکه کوچکتری بهره‌ای از علم و داشت داشته باشند در لباس طبابت سنتی، گیاه درمانگر، دعانویس و احصارکننده روح، جادوگر و سلمانی و جراح مکتب نیده! و شکسته‌بند محلی و دست‌اندرکاران تجربی و پراتیک که معرف حضور همگی هستند آزادانه هرچه بخواهند می‌کنند و هیچ کس نیست به آنها بگوید که بالای چشمندان ابرو است ما باید برای اصلاحات از کجا شروع کنیم؟ در حالیکه بسیاری از دست‌اندرکاران تجربی پزشکی زیرزمین خانه‌هایشان را تبدیل به اطاق عمل جراحی کرده و اعمالی در حد جنایت از قبیل سقط جنین و .... انجام می‌دهند ابتداء باید از کجا شروع نمود؟ در حالیکه ساده‌ترین داروهای O.T.C در داروخانه‌ها یافت نمی‌شود پرداختن به مسئله علمی کار کردن و علمی نسخه نوشتن چه معنا دارد؟ به فرض آنکه همه پزشکان و داروپزشکان این کشور با تمام وجود به زیور علم آراسته شوند مگر چقدر علم در بین مردم ما جایگاه داشته و چقدر خریدار